

بسم الله الرحمن الرحيم

چه قدر حکام مزدور کنونی با خلفای مسلمین تفاوت دارند!

(ترجمه)

نیروهای آزادی و تغییر در سودان، به وزیرمالیه آن، "هبة محمد"، پیشنهاد کردند که برای جبران کسر بودجه مالی، از بودجه اختصاصی 2021م هیئت حاکمه، 40 درصد کاهش دهد. روزنامه "الانتباهة" صادره تاریخی 2020/12/27م در یک گزارشی خود اشاره براین داشت که این وزیر در ابتداء، اطلاع "ائتلاف حاکم" را نسبت به این بودجه، انکار نمود است. آن‌ها از وزیر خواستند که از نخست وزیر اجازه این امر را دریافت نماید که ائتلاف بعداً این اجازه را دریافت نمود. روزنامه "الانتباهة" طبق اطلاع رسانی‌های منابع خود، خبر از ایجاد راه‌حلی می‌دهد که روی دست‌گیری آن‌ها منجر به کاهش کسر بودجه از 300 میلیارد جنیبه به 100 میلیارد جنیبه، در بودجه 2021م می‌شود. هم‌چنان این روزنامه، از دریافت کمک‌های مالیاتی و اقتصادی 4800 میلیارد دالری دولت‌های خلیج به این بودجه، خبر می‌دهد. روزنامه یادآور شده که وزیر از "ائتلاف حاکم" خواست که از نخست وزیر درخواست نمایند تا در قسمت پیشنهاد کاهش 40 درصدی بودجه اختصاصی 2021م شورای رهبری، اقداماتی را روی دست گیرد، این در حالی می‌باشد که به دلیل افزایش مالیات گمرکی از 75 ملیار جنیبه به 100 میلیارد جنیبه، تلاش‌ها به شکست مواجه شدند. به تاریخ 2019/8/26م روزنامه "السودانی" گزارش داد که برای تمام اعضای هیئت حاکمه وسایل نقلیه‌ای با مارک (Infinity) اختصاص داده شده است. در کاخ ریاست جمهوری پروتکل تخصیص اسکورت خصوصی و وسایل نقلیه برای اعضای هیئت به امضاء رسید، همان گونه که در همان روز روند توزیع دفاتیر ویژه اعضا در دو قصر آغاز یافت.

در ماه فبروری 2020م روزنامه "مصادر" گزارشی را نشر نمود که در آن چنین آمده: دولت انتقالی، در قسمت حقوق وزرای فدرال و معاونین وزرا، تعدیلات جدیدی را اعمال نموده است. حقوق هر وزیر فدرال را به 150000 جنیبه و حقوق معاونین وزیر را به 90000 جنیبه افزایش داده است. طبق معلومات این روزنامه حقوق وزراء و معاونین شان از طریق کانال مرکزی در شورای وزراء، مستقیم به حساب‌های خصوصی شان منتقل می‌شود. برخلاف رویش دوران دولت نجات ملی که حقوق مشروطه‌خواهان همراه با حقوق کارمندان ارشد هر اداره دولتی پرداخت می‌شد.

در زمانی که حقوق یک کارمند دولت پایین‌تر از 3000 جنیبه می‌باشد، وزیر آن 150000 هزار جنیبه در خواست می‌کند؛ در حالی که مردم این سرزمین در تنگنا ترین حالت زندگی به سر می‌برند، گرانی قیمت مواد خوراکی بی‌سابقه بوده و مردم با بحران‌های کوبنده دست و پنجه نرم می‌نمایند؛ حکام آن را می‌بینید که بدون اندک توجه به وضعیت مردم، از مال و سرمایه مردم بیشترین سهمیه را می‌قاپند، درحالی‌که بدلیل سیاست‌های فلج‌کننده شان، که کاملاً عاری از ارشادات رحمانی بوده و در مسیر شیطانی قرار دارد، مردم در بدترین حالت فقر و تهیدستی و در سخت‌ترین حالت زندگی و بی‌چارگی به سر می‌برند. حاکمیت شان بر اساس مشروعیت طاغوتی استوار بوده و فرمانبرداری بدون چون و چرای شان را از طاغوت، شیطان آسان ساخته و برای شان می‌آید. وای بر شما با این وضعیتی که مردم دارند، چه‌گونه به خود اجازه می‌دهید که چنین حقوقی را دریافت نمائید؟ در عوض شما می‌بایست برای رسیدگی به وضعیت مردم از حقوق خویش کاسته و دارائی‌های تان را برای آسودگی مردم به کار می‌گرفتید!

البته در ارتباط به کسانی که منصب و حکومت را تنها غنیمتی قراردادند که هر کدام شان به طمع به دست آوردن آن نشسته اند تا قسمت بزرگ آن را بقاپند، چنین تصرفاتی جای شگفت ندارد. نه بسان اسلام که منصب و حکومت را امانتی عنوان می کند که در روز رستاخیز خواری و پشیمانی را به در پی دارد، مگر برای کسانی که حق مسئولیت آن را اداء کرده و پاداش شان را از الله سبحانه و تعالی می خواهند! بسان کسانی که شریعت الله سبحانه را مسیر خویش و امانتی قرار داده و با جان شان از آن پاسداری می نمودند، بسیار از آنان عهده داری منصبی را به دلیل ترسی که نسبت به مسئولیت خطیر و بزرگ آن داشتند، نمی پذیرفتند. کسی که عهدار منصبی می شد، حق آن را اداء می نمود. خلفاء و والیای مسلمانان اولین کسانی بودند که گرسنه بودند و آخرین کسانی بودند که سیر می بودند، از جنس امت بوده، امت آنان را دوست و آن ها امت را دوست داشتند، خواب بر چشمان شان نمی آمد اگر یک تن از رعیت شان گرسنه و مریض می بود، تا این که نیاز و مشکل اش را بر طرف می ساختند. از آن جای که عقیده اسلامی را اساس و مبنای حاکمیت خویش قرار داده بودند، به بهترین الگوها برای ما تبدیل شده اند، مانند "سعید بن عامر والی حمص در دوران خلافت عمر رضی الله عنه" خلیفه مسلمانان عمر رضی الله عنه سعید بن عامر را بر ولایت حمص می گمارد، مدت زیاد نمی گذرد که گروهی از مردم حمص نزد امیر المؤمنین می آیند، امیر المؤمنین برای شان می گوید: "نام های فقراى خویش را بنویسید تا از دارائی مسلمانان به آن ها اعطاء کنم". بنا براین آن ها نام های فقراى خویش را نوشته و در میان آنان نام سعید بن عامر والی حمص را نیز می نویسند. "عمر رضی الله عنه پرسان می کند: "سعید بن عامر کیست؟" می گویند: "او امیر ما می باشد." عمر رضی الله عنه باز پرسان می کند که "امیر شما فقیر است؟" می گویند: "بلی قسم به الله روزهای زیادی سپری می شود که در خانه وی آتشی روشن نشده و طعامی پخته نمی شود. اشک در چشمان امیر المؤمنین جاری شده و گریان می نماید، سپس هزار دینار را در کسبه نهاده می گوید: این مال را برایش بدهید تا از آن امرار معاش کند." زمانی که آن گروه به حمص باز می گردند، کسبه را به سعید داده و سعید می گوید: "إنا لله و إنا إلیه راجعون!" گویا که به وی کدام مصیبتی فرا رسیده باشد. همسرش از وی می پرسد: "چه خبر است؟ آیا کدام اتفاق بدی برای امیر المؤمنین افتاده است (آیا امیر المؤمنین در گذشته است)؟" سعید می گوید: "اتفاقی بزرگ تر از این رخ داده است! دنیا بر من روی آورده تا آخرتم را فاسد سازد." همسرش می گوید: "خود را از آن نجات بده!" او در مورد دینارها چیزی نمی داند. سعید می گوید: "آیا کمکم می کنی تا خود را از آن نجات دهم؟" همسرش می گوید: "بلی." همین می شود که سعید هزار دیناری را که امیر المؤمنین برایش فرستاده بود، بین فقراى مسلمین توزیع می نماید.

نویسنده: عبد الخالق عبدون

مترجم: علی مطمئن